

در حاشیه قرآن ترجمه پاینده

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

ترجمه قرآن به قلم ابوالقاسم پاینده در زمان خودش کار بسیار برجسته‌ای بود و هم‌اکنون نیز پس از گذشتن حدود چهل و پنج سال باز هم از ترجمه‌های خوب و قابل اعتماد قرآن است، و البته مثل هر کار بشری عاری از لغزش‌های کوچک و بزرگ نمی‌تواند باشد. بهترین نقد بر آن، کار مرحوم سید محمد فرزانه بود که مقداری در همان زمان و مقداری پس از انقلاب چاپ شد و بعضاً مورد توجه و استفاده پاینده قرار گرفت. چون پاینده سال‌ها است مرحوم شده و دیگر توهم حب و بغضی نمی‌رود و قرآن ترجمه پاینده هم گاهی تجدید چاپ می‌شود و کمابیش مورد مراجعه است، لذا مناسب دیدم بعضی نکات را که از سال‌ها قبل به تفاریق در حاشیه این ترجمه به قلم آورده‌ام در یک مقاله تنظیم و از لحاظ خوانندگان و محققان بگذرانم.

نکته بسیار مهم این است که گاهی متن مورد استفاده مرحوم پاینده که همان قرائت و کتابت مشهور قرآن است با ترجمه او سازگار نیست و معلوم می‌شود قرائت شاذی را مورد نظر قرار داده است. به یکی دو مورد از این قبیل نیز اشاره خواهد شد. جالب است که مرحوم استاد مطهری در مقاله‌ای در مجله یغما (شماره ۱۱۸) به همین نکته اشاره نموده است.

اکنون یادداشت‌های خود را به ترتیب سوره‌ها و آیات می‌آوریم:

□ سوره بقره (آیه ۷۶): «افلاتعقلون» را «آیا به عقل نیامده‌اید؟» ترجمه کرده که وجه

ماضی دانسته نشده است. این عبارت در بصائر یمنی (قرن ششم) چنین ترجمه شده است: «آیا هیچ نمی اندیشید و هوش نمی دارید؟» (۹۶).

□ سوره بقره (آیه ۱۶۴): «اختلاف الليل والنهار» را «تفاوت شب و روز» معنی کرده، که به نظر می آید «از پی هم درآمدن شب و روز» مناسبت تر باشد. در ترجمه کهن شنقشی (ص ۲۹) آمده است: «اندر آمدن شب و روز و کم و بیش آن».

□ سوره نساء (آیه ۴۹): «بل الله یزکی من یشاء» ترجمه نشده است.

□ سوره نساء (آیه ۸۰): «من تولى فى ارسلناک علیهم حفیظا» ترجمه نشده است.

□ سوره اعراف (آیه ۱۳۱) فاذا جاءتهم الحسنه... و ان تصبهم سیئه در ترجمه «الحسنه» را نکره و «سیئه» را معرفه معنی کرده است.

□ سوره هود (آیه ۳۱): «اذأ» را «وگر نه» ترجمه نموده، که «این صورت» صحیح است.

□ سوره هود (آیه ۲۷): «بأدی الزای» را معنی نکرده است.

□ سوره هود (آیه ۶۶): «نجینا صالحاً والذین آمنوا معه برحمة منا و من خزی یومئذ» را چنین معنی کرده است: «صالح را با کسانی که بدو ایمان آورده بودند، به رحمت خویش از خواری آن روز رهانندیم» که ملاحظه می شود «و» قبل از کلمه «خزی» را معنی نکرده است. در ترجمه کهن تاج التراجم (قرن پنجم) می خوانیم: «رهانیدیم صالح را و آن کسانی را که ایمان آورده بودند با او، به رحمتی از ما و از خواری آن روز.» ضمناً پاینده «معه» را «بدو» ترجمه کرده است.

□ سوره هود (آیه ۷۳): در فقره «انه حمید مجید» ترجمه کلمه مجید نیامده است.

□ سوره هود (آیه ۱۰۳): «ذلک یوم مجموع للناس» را «آن روزی است که مردم فراهم می شوند» معنی کرده، و «ل» از ترجمه جا مانده است.

□ سوره هود (آیه ۱۱): «و ان کلاً لما لیوفینهم ربک اعمالهم» را چنین معنی کرده است: «پروردگارت سزای اعمال همگی شان را تمام می دهد.» در اینجا «ان» که برای تأکید است، معنی نشده است.

□ سوره نحل (آیه ۲): کلمه «امر» را اگر به «فرمان» ترجمه نمی کرد بهتر بود، زیرا «امر» در این آیه نیز توأم با «روح» آمده، و معنی خاص «در مقابل خلق» از آن مراد شده است.

□ سوره نحل (آیه ۱۰): «فیه تسمیون» را چنین ترجمه کرده است «آن را می چرانید»، حال آن که «در آن می چرانید» صحیح است.

□ سورة نحل (آیه ۵۷): «يجعلون لله البنات سبحانه»، کلمه «سبحانه» ترجمه نشده است.

□ سورة نحل (آیه ۹۲): «ان تكون امة هي اربى من امة» را چنین معنی کرده است: «از آن رو که گروهی از گروه دیگر بیشتر است.» بهتر است چنین ترجمه شود: «از آن رو که گروهی خود از گروه دیگر بیشتر باشد.»

□ سورة اسراء (آیه ۱۶): «امرنا مترفيها» را چنین معنی کرده است: «عیاشان را امارت دهیم.» پیدا است که «امرنا» را به تشدید خوانده که قرائت شاذی است و با متنی که همراه ترجمه چاپ شده سازگار نیست، به علاوه «ها» را هم که در اینجا به «قریه» برمی‌گردد، ترجمه نکرده است.

□ سورة كهف (آیات ۴۳ و ۵۰): «من دون الله» را «به جز خدا» و «من دوني» را «سواي من» معنی کرده، که «از عوض خدا» و «از عوض من» مناسب‌تر می‌نماید.

□ سورة مريم (آیه ۲۱): «لنجعلها» را مفرد معنی کرده، که جمع درست است.

□ سورة طه (آیه ۴۷): «انا» در ترجمه نیامده است.

□ سورة طه (آیه ۷۰): «القي السحرة سجداً» را چنین ترجمه کرده است: «جادوگران سجده‌کنان خاکسار شدند.» عبدالمحمد آیتی نوشته است: «جادوگران به سجده افکنده شدند»، و این بهتر است.

□ سورة طه (آیه ۱۰۴): «امثلهم طريقه» را «شایسته رفتار ترشان» معنی کرده است. در ترجمه کهن تاج التراجم (۱۳۹۳/۳) می‌خوانیم: «آن کسی که صواب رأی‌تر باشد از ایشان.» در تفسیری بر عשרی از قرآن مجید آمده است: «آن که در میان ایشان او را راستگوی‌تر دارند» (ص ۱۲۳) و مُراد همین است.

□ سورة انبياء (آیه ۹۷): «فاذاهي شاخصة ابصارالذين كفروا» را چنین معنی کرده است: «(این رخداد) «دیدگان کسانی را که کافر بوده‌اند خیره‌کنند.» درحالی که به این صورت درست‌تر است: «پس ناگهان دیده‌ی کسانی که کافر بوده‌اند خیره‌شود.»

□ سورة حج (آیه ۴۶): «فانها لاتعمى الابصار و لكن تعمى القلوب التي في الصدور» را چنین معنی کرده: «که غفلت دیدگان را کور نمی‌کند بلکه دل‌ها را کور می‌کند» این ترجمه چند اشتباه دارد: اولاً «تعمى» فعل متعددی نیست، ثانیاً «ابصاراً» و «قلوب» هیچ‌یک مفعول نیستند، ثالثاً «ها» در اینجا ضمیر شأن و قصه است، وانگهی کلمه «غفلت» را از کجا آورده است؟ صحیحش چنین است: «که چشم‌ها کور نیستند، لکن دل‌ها که در

سینه‌هایند کورند.» در ترجمه تفسیر طبری آمده است: «که آن نه کوری چشم‌هاست لکن کوری دل‌هاست آنک در سینه‌هاست.»

□ سوره مؤمنون (آیه ۵۴): «فذرهم» را جمع معنی کرده که مفرد است.

□ سوره مؤمنون (آیه ۵۶): «نسارع لهم فی الخیرات» را چنین معنی کرده: «به خوبی‌ها شتابشان می‌دهیم.» در ترجمه کهن قرن پنجم یا ششم می‌خوانیم: «نیکی است که از ما زود به ایشان می‌رسد» (تفسیری بر عشری قرآن مجید، ص ۳۰۲). دانسته نشد چرا پاینده «هم» را مفعول گرفته است.

□ سوره نور (آیه ۳۱): «او نسائهن» را «یا زنانشان» معنی کرده که مراد «یا زنان همکیش‌شان» است.

□ سوره نور (آیه ۶۳): «الذین یستلّلون منکم لو اذا» کلمه اخیر را در معنی لحاظ نکرده و نوشته است: «کسانی از شما که نهانی درمی‌روند.» منظور آیه این است که در پناه دیگری درمی‌روند. در ترجمه کهن مذکور آمده است: «یکی را پیش ایستاندند و فرومولیدندی» (۳۴۷).

□ سوره نمل (آیه ۳۵): «ماتخفون و ماتعلنون» را «آنچه نهان می‌کنند و آنچه عیان می‌کنند» معنی کرده که پیدا است ضمیر مخاطب است نه غایب.

□ سوره نمل (آیه ۵۴): «أنا تون الفاحشة و انتم تبصرون» را چنین معنی کرده است: «شما که بینش دارید چرا به این کار زشت روی می‌کنید؟» در حالی که مقصود آیه چنین است: «آیا این گناه را پیش چشم یکدیگر مرتکب می‌شوید؟» در ترجمه تفسیر طبری آمده است: «همی کنید. رشتی و شما همی بینید» (۱۲۰۶/۵).

□ سوره قصص (آیه ۵۸): «نحن الوارثین» را معنی نکرده است.

□ سوره روم (آیه ۱۷): «فسبحان الله» را «تسبیح خدا گوید» ترجمه کرده، که اگر بعد از خدا کلمه «را» نیز بیاید بهتر است.

□ سوره روم (آیه ۵۱): «ولئن ارسلنا ریحاً فراه مصفراً» را چنین معنی کرده است: «اگر بادی بفرستیم و آن را زردکننده ببینند...» می‌دانیم که «ریح» مونت است و ضمیر «ها» به آن بر نمی‌گردد، احتمالاً مرجع ضمیر یا کلمه «سحاب» در آیه ۴۸ و یا آن که کلمه مقدر «زرع» است. گذشته از این «مصفر» به معنی «زرد» است نه «زردکننده.» پس ترجمه آیه چنین خواهد بود: «اگر بادی بفرستیم که ابر را (یا کشت را) زرد ببینند.»

□ سوره سبأ (آیه ۶): «الذی انزل الیک من ربک هو الحق» را چنین ترجمه کرده است:

«آنچه از پروردگارت به تو نازل شده است حق است.» باید می نوشت: «... همانا خود حق است.»

□ سوره یس (آیه ۶۶): «فَاسْتَبِقُوا»، یعنی فعل ماضی را امر معنی کرده است.
□ سوره لقمان (آیه ۳۳): «وَلَا مَوْلُودَ جَازٍ عَنِ الْوَالِدِ شَيْئًا» را چنین معنی کرده است: «و فرزندى به چیزى کارساز پدرش نشود.» که ضمیر فصلی «هو» را معنی نکرده است.
□ سوره ص (آیه ۸۴): «قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ» را چنین معنی کرده است: «گفت به حق سوگند که به حق می گویم.» حق را مُقَسَّمٌ به گرفته حال آن که مبتداست و خبرش محذوف است. حاصل معنی عبارت چنین می شود: «گفت پس حق است و راست می گویم.»

□ سوره غافر (آیه ۵۴): «فَاخَذْتَهُمْ» را جمع معنی کرده که مفرد است.
□ سوره شوری (آیه ۳۵): «وَيَعْلَمُ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا» چنین معنی کرده است: «و کسانی که در آیات ما مجادله می کنند می دانند...» درحالی که باید می نوشت: «تاکسانی که در آیات ما مجادله می کنند بدانند...»
□ سوره محمد (آیه ۲۵): «أَمْ لِي لَهْمٌ» را «آرزومندشان کرد» معنی کرده است، شاید «مهلتشان داد» صحیح تر باشد.

□ سوره محمد (آیه ۳۳): «سَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ» را «اعمالشان محو خواهد شد» ترجمه کرده که پیدا است فعل را مجهول خوانده، حال آن که، فاعلش خداست و مفعولش «اعمال».

□ سوره فتح (آیه ۲۶): «كَاِنَّا اِحْقَّ بِهَا وَاَهْلُهَا» را چنین معنی کرده است: «بدان و اهل آن سزاوارتر بودند.» درستش چنین است: «بدان سزاوارتر بودند و شایسته اش بودند.» در ترجمه تفسیر طبری آمده است: «و بودند سزاوارتر بدان و سزای آن» (۱۷۱۳/۶).

□ سوره نجم (آیه ۱۱): «مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى» را چنین ترجمه کرده است: «قلب وی آنچه ابدید تکذیب نکرد»، که پیداست مترجم «کذب» را مشدد خوانده است. در ترجمه تفسیر طبری می خوانیم: «و نه دل دروغ گفت آنچه دید» (۱۷۶۲/۷).

□ سوره رحمن (آیه ۷۰): «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ» را چنین ترجمه کرده است: در آن نیک سیر مانند خوب صورت» که از مؤنث یا مذکر بودن نشانی نیست.

□ سوره واقعه (آیه ۸۵): «أَنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ» را چنین معنی کرده است: «اگر روز جزا باور نمی دارید.» دکتر ابوالقاسم امامی همین را چنین ترجمه کرده است: «اگر کیفر

ناشونده‌اید»، و این، مقصود را بهتر می‌رساند.

□ سورهٔ حدید (آیهٔ ۲۵): «لیقوم الناس بالقسط» را چنین معنی کرده است: «تا کسان عدالت کنند.» درستش چنین است: «تا مردم عدالت را بر پای دارند.»

□ سورهٔ طلاق (آیهٔ ۱): «لعل الله يحدث بعد ذلك امرا» را چنین ترجمه کرده است: «شاید خدا بعد از این چیزی پدید آرد.» منظور این بوده که «شاید خدا بعد از این فرمان تازه‌ای بدهد یا دستور تازه‌های بفرماید» و عملاً هم چنین شد (نک تفاسیر ذیل همین آیه).

□ سورهٔ تحریم (آیهٔ ۱۲): «و مریم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من روحنا» را چنین ترجمه کرده است: «و مریم دختر عمران که عورت خویش را نگه داشت و از روح خویش در او دمیدیم.» درستش چنین است: «... در آن دمیدیم»، زیرا ضمیر «ها» به مریم بر نمی‌گردد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی